

نَهَضَ: برخاست ، متضاد جَلَسَ/حَصَلَ علی...: به دست آورد، لتحصّل علی: تا به دست بیاوری/ الاکیاس ج «الکیس» کیسه ها/ المملوءة: پُر، انباشته ، اسم مفعول از فعل «مَلَأَ/لن أرجع: برنخواهم گشت (فعل مضارع همراه «لن» به صورت مستقبل منفی ترجمه می شود.) جاء ، یجیء: آمد/أطعم: غذا داد، (فعل ماضی ثلاثی مزید از باب افعال)/ العشاء: شام ، العشاء: زمان اول شب/ لبس: پوشید(فعل یک مفعولی) ، ألبس: پوشاند، ماضی باب افعال (از فعل های دو مفعولی)/ السارة: مسرت بخش ، شاد/ الدین: قرض ، بدهکاری، اسم مفعول آن «مدین»: بدهکار/ الزاتب: حقوق/ يتحدّث: سخن می گوید ، مترادف «یتکلم»/کسر یکسر: شکست/ دفع: پرداخت، أدفع: بپردازم/ جیران: همسایگان ج مکسر «جار»/هدم: ویران کرد( ماضی باب تفعیل)، سیهدّمون: ویران خواهند کرد/العش: آشیانه ، لانه/ إضطرب: نگران شد، لاتضطربوا: نگران نشوید، مضطرب نشوید/أقرباء: خویشاوندان/ بضعة أيام: چند روز/الحصاد: درو کردن، مصدر فعل «حصد»: درو کرد/رحل یرحل: کوچ کرد، أن نرحل: کوچ کنیم/ الهام: مهم/ نال ینال : به دست آورد

نکات ترجمه ای درس:

- ۱- فعل مضارع همراه «لن» به صورت مستقبل منفی ترجمه می شود: لن أذهب: نخواهم رفت
- ۲- فعل مضارع با سایر ادوات ناصبه معمولاً به صورت مضارع التزامی فارسی ترجمه می شود. أحب أن أتعلّم اللغة العربیة. دوست دارم (که) زبان عربی را یاد بگیرم. إصبر حتّى آخذ راتبی . صبر کن تا حقوقم را بگیرم.

ترجمه را کامل کنید:

حقوق مردم

ای عقیل! ..... در خانه نیست.

..... خلیفه ی مسلمانان و ..... است. به سوی او ..... تا ..... از مال .....

عقیل ..... و به سوی ..... رفت.

در راه:

برادرم ..... است ..... و ..... به دست خواهم آورد. پس جز با ..... پُر ..... در آن نیست.

در دار الحکومه

سلام بر تو ..... ای امیر مؤمنان .

و سلام و رحمت خداوند بر تو باد.

ای علی! ..... تو آدمم تا ..... مشکلاتم در زندگی .....

.....! حسن! به عمویت لباسی .....

پس حسن (ع) از ..... به او پوشانید.

وقت ..... رسید .

وقتی بر سر ..... نشستند تا ..... ، عقیل چیزی جز نان و .....

پس .....

ای علی! آیا این سفره ی ..... است؟! آیا این چنین به ما .....!؟

آیا این از ..... خداوند نیست!؟

چرا (بله)! ولی!

پس سپاس و شکر ..... !

ای علی! من ..... و ..... به کمک نیاز دارد. .... مرا به سوی تو ..... تا با خبرهای ..... به سویشان برگردم. .... تو چقدر است؟

درهم. ....

..... ندارم، ولی صبر کن تا ..... را از بیت المال بگیرم پس مقداری از آن را به تو .....  
بیت المال ..... در حالی که تو از حقوقت .....! حقوقت چقدر است؟!  
..... میان من و ..... در بیت المال نیست.  
..... تو ..... عیبی ندارد. به ..... برو و ..... صندوق ها را .....!  
در صندوق ها چیست؟  
اموال .....

آیا به من ..... که صندوق های قومی را ..... که به خدا ..... و اموالشان رادرآن ها .....؟! آیا به من دستور می دهی که .....؟!  
پس ..... تو به من ..... که بیت المال مسلمانان را ..... و از اموال آنان به تو ..... در حالی که آنان به خدا توکل کرده اند؟!  
آیا ..... از یک نفر ..... از این نیست که از همه ی مسلمانان .....؟!  
عقیل ..... و از خواسته خود ..... !

### اعراب فعل مضارع (رفع، نصب، جزم)

صیغه های فعل مضارع را می توان در سه گروه تقسیم کرد:

صیغه های بدون ضمیر بارز (۴ تایی ها): **یَفْعَلُ ، تَفْعَلُ ، أَفْعَلُ نَفْعَلُ**

افعال خمسه (۵ تایی ها): **يَفْعَلَانِ ، تَفْعَلَانِ ، يَفْعَلُونَ ، تَفْعَلُونَ ، تَفْعَلِينَ**

صیغه های جمع مؤنث (۲ تایی ها): **يَفْعَلْنَ ، تَفْعَلْنَ**

### رفع فعل مضارع

فعل مضارع در حالت عادی مرفوع است .

در صیغه های بدون ضمیر بارز علامت رفع ضمه (اصلی) است. **يَعْمَلُ تَعْمَلُ أَعْمَلُ نَعْمَلُ**

در افعال خمسه علامت رفع ثبوت نون اعراب (فرعی) است. **يَعْمَلَانِ تَعْمَلَانِ يَعْمَلُونَ تَعْمَلُونَ تَعْمَلِينَ**

صیغه های جمع مؤنث محلاً مرفوع اند.

پس چهار تایی ها مرفوع با ضمه پنج تایی ها مرفوع با ثبوت نون دو تایی ها محلاً مرفوع

### نصب فعل مضارع

فعل مضارع زمانی منصوب است که یکی از ادوات ناصبه قبل از آن ذکر شده باشد.

ادوات ناصبه: **أَنْ (که ، این که) لَنْ (علامت آینده منفی «نخواه...») كَيْ (تا، تا این که) حَتَّى (تا ، تا اینکه) لِ (برای این که ،**

تا)

## علامت نصب فعل مضارع:

- ۴ تایی ها: فتحه (اصلی) أن يعمل ، لن تعمل ، كي أعمل ، لنعمل  
 ۵ تایی ها: حذف نون اعراب (فرعی) أن يعملا ، لن تعملا ، كي يعملوا ، حتى تعملوا لتعملي  
 ۲ تایی ها: محلاً منصوب : أن يعملن حتى تعملن

### نکات:

- ۱- لام (لـ) زمانی از ادوات ناصبه است که بیان کننده علت فعل جمله قبل از خود باشد.  
 نذهبُ الى المدرسة لندرس. به مدرسه می رویم برای این که درس بخوانیم.  
 ۲- حتى: زمانی از ادوات ناصبه است که قبل از فعل مضارع ذکر شده باشد. إجتهد في امورك حتى تنجح.  
 حتى ممکن است قبل از فعل ماضی و قبل از اسم نیز ذکر شود که در این صورت ناصبه نیست.  
 أصبتُ بالفشل مراراً حتى تعلمتُ طريق الإفشال. سلام هي حتى مطلع الفجر.

صيغه	مضارع مرفوع	مضارع منصوب
للغائب	ينصُرُ	أن ينصُرَ
للغائبة	تنصُرُ	أن تنصُرَ
للغائبين	ينصران	أن ينصِرا
للغائبتين	تنصران	أن تنصِرا
للغائبين	ينصرون	أن ينصروا
للغائبات	ينصرن	أن ينصرن
للمخاطب	تنصُرُ	أن تنصُرَ
للمخاطبة	تنصرين	أن تنصِري
للمخاطبين	تنصران	أن تنصِرا
للمخاطبتين	تنصران	أن تنصِرا
للمخاطبين	تنصرون	أن تنصروا
للمخاطبات	تنصرن	أن تنصرن
للمتكلم وحده	أنصُرُ	أن أنصُرَ
مع الغير	ننصُرُ	أن ننصُرَ

- ۱- ترجم العبارات التالية الى الفارسية.  
 - أحبُّ أن أسافر.  
 ۲- عرب ما بين القوسين.  
 - إذهب إليه..... على شيء من المال. (برای اینکه به دست بیاوری)  
 - اصبر..... راتبي. (تا بگیرم - از فعل أخذ)  
 - أحبُّ..... لغة القرآن. (که یاد بگیرم - از فعل تعلم)  
 - نحن نطلب منكم..... جيداً. (که درس بخوانید - از فعل درس)

- ۳- ميز المضارع المرفوع و بين علامته.

- فَبَشِّرْ عِبَادِي الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ.
- مهنومان لايشبعان طالب العلم و طالب الدنيا.
- الدهر يُخْلِقُ الْأَبْدَانَ وَ يُجَدِّدُ الْأَمَالَ.
- هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ.

٤- مَيَّرَ المضارع المنصوب و بيّن علامته.

- وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ.

- وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ.

- عَلَيْكُمْ أَنْ تَطْلُبُوا الْعِزَّةَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ.

- احْفَظْ الْعِلْمَ كَيْ تَفُوزَا بِالنَّجَاحِ.

٥- عين اعراب الافعال المضارعة و علامتها.

حتى يُرْسِلُوا

تمنّع

لِيُشَاهِدُوا

لا يُشْرِكُونَ

تَأْمُرُونَ

أَنْ تَقْرَأُوا

لَنْ نَنْزُكَ

يَعْمَلُونَ

أَسْأَلُ

حتى يَرْحَمَنَّ

٦- عين الافعال المضارعة و اعرابها فى الجمل التالية.

١- هُمْ يَتَعَلَّمُونَ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ كَيْ يَفْهَمُوا لُغَةً حَيَّةً.

٣- نَسَأَلُ اللَّهَ أَنْ يُدْخِلَنَا الْجَنَّةَ.

٥- لَنْ نَتَنَاوَلَ الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ.

٢- قَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ

٤- أَلَّا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ.

٧- أكمل الفراغات ممّا بين القوسين.

١- التلميذَانِ لَنْ ..... الى المدرسةِ مساءً. (يذهبان، يذهبا)

٢- إِنْ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بَقِيَ حَتَّى ..... ما بأنفسهم. (يُغَيِّرُوا، تُغَيِّرُوا)

٣- أَمَرَ اللَّهَ الْمُسْلِمِينَ أَنْ ..... على البرّ و التقوى. (يَتَعَاوَنُونَ، يَتَعَاوَنُوا)

٤- تَجْتَهِدُ الطَّالِبَاتُ كَيْ ..... فى الامتحانات. (تَنْجَحَ، يَنْجَحَنَّ)

٨- عَيْنَ الصَّحِيحِ.

١- لَا تَذْهَبُونَ:

ب: مضارع مرفوع به ثبوت نون اعراب و فرعى

الف: مضارع مرفوع به واو و اعراب فرعى

٢- حَتَّى تَنْصُرَا:

ب: مضارع منصوب به حذف نون و اعراب فرعى

الف: مضارع منصوب به الف و اعراب فرعى

٣- نُسَبِّحُ:

ب: مضارع مرفوع محلاً

الف: مضارع مرفوع به ضمه و اعراب اصلى

٩- شَكَّلَ مَا تَحْتَهُ خَطًّا. (حركت كذارى كنيدي)

١- أَحَبُّ أَنْ تَنْجَحَ فِي أُمُورِكَ.

٢- هُوَ يَتَعَلَّمُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ

١٠- اعرّب ما تحته خط.

١- حاولت الطالبات أن ينجحن في امتحاناتهن.

٢- أفتش عن آثار ظبي له قرون جميلة.

مدیر کاظمی

الصامدين: اسم فاعل از «صمد ء» پایداران/ ثوري: فعل امر للمخاطبة من «ثار يثور»: قيام كن/ الصوب: سمت، سو، جهت/ صبب يصب: ريخت/ سيري: فعل امر للمخاطبة من «سار يسير» حرکت كن/ لاتحنى: خم نشو، تسليم نشو از فعل «إنحنى ينحنى»: خم شد، تسليم شد (باب انفعال)/ يلىن: نرم می شود، نرمش نشان می دهد از فعل «لان» معتل اجوف/ الورد: گل/ الطغاة: ج الطاعى: سرکش/ العظم: استخوان ج العظام/ الغزاة ج «الغازي»: جنگجو، متجاوز/ الواثق: مطمئنقدم: پیش فرستاد/ العلى: بزرگی، علو مقام/ سهر: بی خوابی کشید/ قنط يقنط: نا امید شد، لاتقنطوا: نا امید نشوید/ أقرض يقرض: قرض داد، ماضی باب افعال/ ضاعف يضاعف: دوچندان کرد/ تقدم: پیشرفت کرد، لكي تتقدمي: تا پیشرفت کنی/ لن تبلى: نخواهی رسید / لعق: چشید، حتى تلعق: تا بچشی/ المرارة: تلخی، متضاد «الحلاوة»: شیرینی/ نجح - نجحاً: موفق شد/ الكسلان: تنبل از فعل «كسل» (صفت مشببه بر وزن «فعلان»)

### نکات ترجمه ای درس:

- ۱- فعل مضارع اگر به وسیله «لم» به کار برود به صورت ماضی منفی ترجمه می شود. (ماضی ساده و یا ماضی نقلی منفی) لم تؤمنوا: ایمان نیاوردید (ایمان نیاورده اید)
- ۲- فعل مضارع اگر با «لام جازمه» به کار برود غالباً به صورت مضارع التزامی فارسی ترجمه می شود. «لنساعد مظلومي العالم». باید به مظلومان جهان کمک کنیم.
- ۳- فعل شرط معمولاً به صورت مضارع التزامی و جواب شرط به صورت مضارع اخباری ترجمه می شود. إن تنصروا الله ينصركم. اگر خدا را یاری کنید [خدا] شما را یاری می کند.
- ۴- در صورتی که فعل شرط و جواب شرط ماضی باشند به صورت مضارع ترجمه می شوند. من حفر بئراً لأخيه وقع فيها. هرکس برای برادرش چاهی بکند [خود] در آن می افتد.

### جزم فعل مضارع

فعل مضارع زمانی مجزوم است که یکی از ادوات جازمه قبل از آن ذکر شده باشد. ادوات جازمه دو دسته اند:

الف: ادواتی که یک فعل مضارع را مجزوم می کنند که عبارتند از:

لام امر (ل)، لای نهی، لم و لَمَا (در صورتی که قبل از فعل ماضی نباشد)

### نشانه ی جزم فعل مضارع:

- ۱- سکون در صیغه های بدون ضمیر بارز ( ۴ تایی ها): ينصُرُ : لينصُرُ تظلمُ: لاتظلمُ
- ۲- حذف نون اعراب در افعال خمسه: ينصرون: لينصروا تظلمين: لاتظلمي

ب: ادواتی که دو فعل مضارع را مجزوم می کنند که به آن ها ادوات شرط می گویند و عبارتند از:

إن: اگر مَنْ: هر کس ما: هر چیز، هر چه أينما: هر جا

به فعل مجزوم اول فعل شرط و به فعل مجزوم دوم جواب شرط می گویند.

«إن تنصروا الله ينصركم...» اگر خدا را یاری کنید (خدا) شما را یاری می کند.

تَنْصُرُوا: فعل شرط علامت جزم حذف نون اعراب / يَنْصُرُ: جواب شرط و علامت جزم سکون

### نکات:

- ۱- لام امر فقط بر صیغه های غایب و متکلم وارد می شود و فعل همراه آن معمولاً به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود. لِنَسَاعِدُ مَظْلُومِي الْعَالَمِ. باید مظلومان جهان را یاری کنیم.
- ۲- لام امر مکسور است ولی اگر قبل از آن حروف عطف « و ، فَ، ثُمَّ » قرار بگیرد ساکن می شود. لِأَقْرَأْ دَرُوسِي جَيِّدًا وَأَحْفَظُهَا.
- ۳- ممکن است فعل شرط و جواب شرط فعل ماضی باشند که در این صورت محلاً مجزوم و به صورت فعل مضارع ترجمه می شوند. « مَنْ حَفَرَ بِنْرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا. » هرکس برای برادرش چاهی بکند (خود) در آن می افتد. « حَفَرَ » فعل شرط و « وَقَعَ » جواب شرط و هر دو محلاً مجزوم هستند.

صیغه	مضارع مرفوع	مضارع منصوب	مضارع مجزوم
لِلغَائِبِ	يَنْصُرُ	أَنْ يَنْصُرَ	لَمْ يَنْصُرْ
لِلغَائِبَةِ	تَنْصُرُ	أَنْ تَنْصُرَ	لَمْ تَنْصُرِي
لِلغَائِبِينَ	يَنْصُرَانِ	أَنْ يَنْصُرَا	لَمْ يَنْصُرَا
لِلغَائِبَتَيْنِ	تَنْصُرَانِ	أَنْ تَنْصُرَا	لَمْ تَنْصُرَا
لِلغَائِبِينَ	يَنْصُرُونَ	أَنْ يَنْصُرُوا	لَمْ يَنْصُرُوا
لِلغَائِبَاتِ	يَنْصُرْنَ	أَنْ يَنْصُرْنَ	لَمْ يَنْصُرْنَ
لِلْمَخَاطَبِ	تَنْصُرُ	أَنْ تَنْصُرَ	لَمْ تَنْصُرِي
لِلْمَخَاطَبَةِ	تَنْصُرِينَ	أَنْ تَنْصُرِي	لَمْ تَنْصُرِي
لِلْمَخَاطِبِينَ	تَنْصُرَانِ	أَنْ تَنْصُرَا	لَمْ تَنْصُرَا
لِلْمَخَاطِبَتَيْنِ	تَنْصُرَانِ	أَنْ تَنْصُرَا	لَمْ تَنْصُرَا
لِلْمَخَاطِبِينَ	تَنْصُرُونَ	أَنْ تَنْصُرُوا	لَمْ تَنْصُرُوا
لِلْمَخَاطِبَاتِ	تَنْصُرْنَ	أَنْ تَنْصُرْنَ	لَمْ تَنْصُرْنَ
لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	أَنْصُرُ	أَنْ أَنْصُرَ	لَمْ أَنْصُرْ
...مع الغير	تَنْصُرُ	أَنْ تَنْصُرَ	لَمْ تَنْصُرِي

ترجمه را کامل کنید:

در برابر ستم .....

ای قدس ای ..... در برابر ستم و ..... قیام کن  
 به سوی ..... حرکت کن ..... از جانب خدا ..... می آید.  
 ..... ابابیل از هر ..... بر غاصبان .....  
 پس ..... مرگ حرکت کن ..... زیرا تو آن ..... هستی که .....  
 ..... اگر گل [کنایه از کودکان] ما را ..... رؤیا (ی پیروزی) را در گل یاسمن (نس آینده فلسطین) .....  
 ..... اگرچه ..... ما را ..... با ..... در هر زمانی .....  
 مانند درختان ..... در شهر جلیل بر روی ..... با اطمینان .....

- ١- استخراج الافعال المجزومة فى العبارة التالية واذكر علامة جزمها.
- الطالبة لم تفهم الدرس
  - لا تبطلوا صداقاتكم بالمن.
  - التلاميذ لم يقصروا فى اداء واجبهم.
  - من يتعلم فى الصغر يتقدم فى الكبر.
  - ما تنفقوا من شىء يعلمه الله.
  - ان تحافظا على صحتكما تسلما.
  - لا تحزنن ان الله معنا.
  - ان تنصروا الله ينصركم.
  - الطالبات لم يقصرن فى اداء واجبهن.

- ٢- عين اعراب الافعال المضارعة «المرفوعة و المنصوبة و المجزومة» واذكر علامتها.
- ما تقدموا لانفسكم من خير تجدوه عند الله.
  - هم يتعلمون اللغة العربية كى يفهموا لغة حية.
  - الكفار لم يؤمنوا بما انزل الله
  - لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون الله.
  - المؤمنون يتعاونون على البر والتقوى.
  - المؤمنون لا يشركون بالله شيئا.

- ٣- عين انواع حرف « اللام » فى العبارات التالية .
- اجتهدت لى نجح.
  - قلينظر الانسان مم خلق.
  - الحمد لله رب العالمين .
  - التلاميذ يدرسون ليتجحوا.
  - التلاميذ ليدرُسوا حتى ينجحوا.

- ٤- اكمل الفراغ بفعل مضارع من «نَجَحَ - » .
- لَن.....من يطلب الراحة .
  - ان تجتهدى فى أعمالك.....
  - انثما تجتهدان فى أعمالكما و.....
  - الكسلان لم..... فى الحياة
  - من يجتهد..... فى الامتحان.
  - قال: اسأل الله ان..... فى حياتكم.
  - ان تجتهدن فى اعمالكن.....



- ٥- انتخب الكلمة المناسبة للفرغ مما بين القوسين.
- الطالبات لم..... فى مساعدة اخواتهن. (يُقَصِّر - يُقَصِّرْنَ)
- أريد أن..... العربية. (اتَعَلَّمَ - اتَعَلَّم)
- فمن..... مثقال ذرة خيراً يره. (يعمَل - يعمل - يعمل)
- اجتهدنا كثيراً ل..... فى الامتحان. (ننَجِّح - ننَجِّحُ - ننَجِّجُ)
- ما تكتموا من السر.....ه الله. (يعلم - يعلم - يعلم)

٦- أكتب صيغ مناسبة.

- مضارع مجزوم لـ «جَلَسَ» للمخاطبين.....
- مضارع منصوب لـ «اجتهد» للمخاطبة.....
- مضارع مرفوع لـ «أصلح» للغائبة.....

٧- صحح الأخطاء مع بيان السبب.

- اقرؤوا دروسكم حتى تتجحون.
- أنا اتعلم اللغة العربية كى أفهم لغة القرآن.

سَلَبَ: [به زور] گرفت، سَلَبَت: سلب شده است (فعل مجهول)/ العناد: دشمنی، مخالفت، کینه توزی/ الاصنام ج «الصنم»: بت ها/ يُطْرَقُ: کوبیده می شود يُطْرَقُ الباب: در زده می شود (فعل مضارع مجهول)/ غَسِلَتْ: شست و شو داده شده است/الشباب ج «الشاب» جوانان، الشباب: جوانی/هَوَّنَ: آسان نمود، هَوَّنَ عليك: سخت نگیرد/ الخُطَّة: نقشه، طرح/أذرك: فهمید، دریافت/ الخيرة: بهترین ها/ أَسْتَشْهَدُ: شهید شد (فعل مجهول از باب استفعال)/الهَيَّيْنِ: آسان، صفت مشببه مترادف «السهل»/ قضی نحبه: به عهد خود وفا کرد، از دنیا رفت/حفلة العرس: جشن عروسی/أسرع: شتافت/ساحة القتال: میدان جنگ/يُبْعَثُ: فرستاده می شود/الحى: زنده (صفت مشببه بر وزن فعل) خَدَعَ: فریب داد، لَنْ نُخَدَعَ: فریب نخواهیم خورد/لم يُؤَسَّسْ: بنا نشده است/إِخْتَبَرَ: آزمایش کرد/هَنَأَ: تبریک گفت/لِيَهْتَنُوا: تا تبریک بگویند/أَتْلَفَ: تلف کرد، از بین برد، أَتْلَفَ: تلف شد/أَنْصَتَ: ساکت شد، أَنْصَتُوا: ساکت باشید/لم نُبْعَثْ: فرستاده نشده ایم/لَا يَفْتَنُونَ: آزمایش نمی شوند/التعذيب: شکنجه/الميثاق: عهد و پیمان، ميثاق الاخوة: پیمان برادری

نکته ی ترجمه ای درس:

در ترجمه ی فعل ها باید به معلوم و مجهول بودن آن ها توجه کنیم:

در ترجمه ی فعل مجهول از فعل «شدن» و مشتقات آن استفاده می شود.

نَصَرَ: یاری کرد	نَصِرَ: یاری شد
يُرْسِلُ: می فرستد	يُرْسَلُ: فرستاده می شود
	سَيُرْسَلُ: فرستاده خواهد شد

جوان .....

.....

شخصیت ها: حنظله، ابو عامر (پدر حنظله) عبدالله بن أَبِي (.....) و تعدادی از .....

اول .....

ابو عامر: قدرت ما ..... ؟.....

.....! این ..... تا کی؟ سخن محمد .....

این یتیم .....! دین پدرانیت را .....

حنظله: .....! از من .....

آیا از من می خواهی ..... را ..... و در برابر ..... و فخر فروشی آن ها به ..... و مال حرام خوری آن

ها .....

نه این کاری است که .....

به راستی که تو ..... هستی.

پد رمن! هیچ بندگی (طاعتی) برای ..... در ..... از آفریدگار وجود ندارد.

خداوند ..... فرموده است: و اگر تو را ..... که برای من ..... که تو آن را .....، از ایشان .....

..

.....

حنظله ، در را ..... من با عبدالله بن اُبی .....

عبدالله: درود به ابو عامر! امروز .....؟ نشانه های ..... در تو ..... چرا؟

با این جوانان .....؟ عقلهایشان ..... می ترسم که محمد به وسیله این ..... تمام آن چه را که در .....

!.....

..... آنان گروه ..... هستند

ولی این ها

..... فرمانروایی و ..... را ..... من ..... دارم که کسی حتی شیطان آن را .....

آن [نقشه] چیست؟

با محمد به ..... و او را در ..... رها می کنیم.

فکر ..... است . به راستی که تو ..... هستی.

بله . .....!

صحنه دوم پس از جنگ (احد)

ما از ..... و به سوی او .....! تعدادی از بهترین ..... رسول خدا ..... بله . و در رأس آنان ..... حمزه است.

همه این [ها] ..... تا وقتی رسول خدا .....

از میان مؤمنان ..... هستند که بر عهدهی که با خدا بستند ..... پس بعضی از آن ها به عهد خود وفا کردند (از دنیا رفتند)

و بعضی از آن ها .....

..... او کیست؟

او ..... جوانان مدینه است. برای ..... در میان جوانان.....

او حنظله است.

حنظله . این ..... دیشب ..... بود.

درست است . ولی هنگامی که ..... را شنید که به سوی ..... از خانه اش ..... و به سوی میدان جنگ

..... و .....

پس سلام بر او در روزی که ..... و روزی که ..... و روزی که .....

معلوم و مجهول [المبني للمعلوم و المبني للمجهول]

فعل معلوم فعلی است که به فاعل نسبت داده می شود. خَلَقَ ، يُرْسِلُ ...

خَلَقَ اللهُ الْإِنْسَانَ. خداوند انسان را آفرید.

يُرْسِلُ اللهُ الْأَنْبِيَاءَ لِهَدَايَةِ النَّاسِ. خداوند پیامبران را برای هدایت مردم می فرستد.

فعل مجهول فعلی است که به مفعول [تايب فاعل] نسبت داده می شود. خَلِقَ ، يُرْسِلُ ...

خَلِقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا. انسان ضعیف آفریده شده است.

يُرْسِلُ الْأَنْبِيَاءَ لِهَدَايَةِ النَّاسِ. پیامبران برای هدایت مردم فرستاده می شوند.

هر فعل ماضی در صورتی که حرف اول آن ضمه داشته باشد مجهول است. اُكْرِمَ ، قُتِلُوا ، رُزِقْنَا...  
فعل مضارع زمانی مجهول است که علاوه بر ضمه حرف مضارع عین الفعل آن نیز فتحه داشته باشد. يُكْرِمُ ، يُسَلِّمُونَ...  
توجه: مضارع بابهای افعال و تفعیل و مُفاعلة در حالت معلوم هم حرف مضارع آن ها ضمه دارد. دقت کنیم آن ها را با فعل مجهول اشتباه نگیریم.

### طریقه مجهول کردن جمله های معلوم

- ۱- فاعل را حذف می کنیم.
  - ۲- مفعول را به جای فاعل می گذاریم و آن را به عنوان «نایب فاعل» مرفوع می کنیم.
  - ۳- علامت های فعل را تغییر می دهیم. در ماضی عین الفعل را کسره و حرف های حرکت دار قبل از آن را ضمه می دهیم و در مضارع عین الفعل را فتحه و فقط حرف مضارع را ضمه می دهیم.
  - ۴- مذکر و مؤنث بودن فعل مجهول را با نایب فاعل مطابقت می دهیم.
- معلوم: كَتَبَ اللهُ الصِّيَامَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ. خداوند روزه را بر مسلمانان واجب کرد. [الله: فاعل و مرفوع / الصِّيَامَ: مفعول به و منصوب]  
مجهول: كُتِبَ الصِّيَامُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ. روزه بر مسلمانان واجب شد. [الصِّيَامَ: نایب فاعل و مرفوع]  
معلوم: يَكْتُبُ الطَّالِبُ التَّمَارِينَ فِي الدَّفْتَرِ. دانش آموز تمرین ها را در دفتر می نویسد. [الطَّالِبُ: فاعل و مرفوع / التَّمَارِينَ: مفعول به و منصوب]  
مجهول: تُكْتَبُ التَّمَارِينُ فِي الدَّفْتَرِ. تمرینات در دفتر نوشته می شود. [التَّمَارِينُ: نایب فاعل و مرفوع]

### نایب فاعل

اسمی است که پس از فعل مجهول ذکر می شود و تمام احکام و شرایط فاعل را دارد.

- ۱- مرفوع است ۲- بعد از فعل مجهول ذکر می شود. ۳- مانند فاعل به سه صورت اسم ظاهر و ضمیر بارز و ضمیر مستتر می باشد.

قُتِلَ الْأَعْدَاءُ. [الأعداء: نایب فاعل ، اسم ظاهر] الْأَعْدَاءُ قُتِلُوا. [نایب فاعل ضمیر بارز «و»] الْعَدُو قُتِلَ. [نایب فاعل ضمیر مستتر هو]

در اعراب رفع نایب فاعل به علامت های فرعی رفع توجه داشته باشیم.  
نُصِرَ الْمُسْلِمُونَ فِي غَزْوَةِ بَدْرٍ. اُكْرِمَ الصِّيفَانِ.

- ✓✓✓ اگر مفعول به صورت جمع غیر عاقل باشد فعل مجهول به صورت مؤنث به کار می رود.  
يَعْرِفُ النَّاسُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهَا. تُعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهَا.

صیغه	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول
للمغائب	نُصِرَ	نُصِرَ	يُنْصَرُ	يُنْصَرُ
للمغائبة	نُصِرَتْ	نُصِرَتْ	تُنْصَرُ	تُنْصَرُ
للمغائبين	نُصِرَا	نُصِرَا	يُنْصِرَانِ	يُنْصِرَانِ
للمغائبتين	نُصِرْتَا	نُصِرْتَا	تُنْصِرَانِ	تُنْصِرَانِ
للمغائبين	نُصِرُوا	نُصِرُوا	يُنْصِرُونَ	يُنْصِرُونَ
للمغائبات	نُصِرْنَ	نُصِرْنَ	يُنْصِرْنَ	يُنْصِرْنَ
للمخاطب	نُصِرْتَ	نُصِرْتَ	تُنْصَرُ	تُنْصَرُ

للمخاطبة	نصرت	نصرت	نصرت
للمخاطبين	نصرتُما	نصرتُما	نصرتُما
للمخاطبتين	نصرتُما	نصرتُما	نصرتُما
للمخاطبيين	نصرتُم	نصرتُم	نصرتُم
للمخاطبات	نصرتنَّ	نصرتنَّ	نصرتنَّ
للمتكلّم وحده	نصرت	نصرت	نصرت
مع الغير	نصرتنا	نصرتنا	نصرتنا

#### ١- عین الصحيح.

لم يُشاهد في الجنة من يشبه شماساً.

الف: در بهشت کسی را که همانند شماس باشد را ندید.

ب: در بهشت کسی مانند شماس دیده نشده است.

بُعِثَ النَّبِيُّ (ص) لِاتِّمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ.

الف: پیامبر را برای کامل کردن اخلاق نیک برانگیخت.

ب: پیامبر (ص) برای کامل کردن اخلاق نیک برانگیخته شد.

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ.

الف: پیروی کنید آنچه را که از جانب پروردگارتان برای شما نازل شد.

ب: آنچه را که پروردگارتان برای شما نازل کرد پیروی کنید.

#### ٢- عین الفعل المجهول و نائب الفاعل.

- لَا يَلْسَعُ الْعَاقِلُ مِنْ جُحْرِ مَرْتِنِينَ.

- هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ.

- تُنَزَّلُ عَلَيْنَا النِّعَمُ السَّمَاوِيَّةُ.

- امْرَأَةٌ مُسْلِمَةٌ مُنِعَتْ مِنَ التَّكَاثُلِ.

#### ٣- عین الفعل المعلوم و الفاعل و الفعل المجهول والنائب عن الفاعل.

- وَظَنُوا أَنَّهُمُ الْبِئْسَ الْأُمَّةَ يَرْجِعُونَ.

- إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.

- فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ.

- هُمْ يُكْرَمُونَ الضَّيْفَ فَيُكْرَمُونَ.

#### ٤- اجعل الجمل التالية مجهولة. (مجهول كنيده)

- يَشْرَبُ الْمَرِيضُ الدَّوَاءَ.

- انشَدَ الشَّاعِرُ قَصِيدَةً جَمِيلَةً.

- رَزَقَ اللَّهُ الْفَقِيرَ مَالًا.

- يَعْرِفُ النَّاسُ الْأَصْدِقَاءَ الْأَوْفِيَاءَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ.

- لا يَطلبُ المؤمنُ العِزَّةَ بالزَّاحِه.
- منعُ الاسلامِ المرأةَ المُسلمةَ مِنَ التَّكاسُلِ.

٥- اجعل الافعال المجهولة معلومةً. (معلوم كنيدي)

- سَمِعَ الصَّوْتُ الجَرَسِ (الطالب)
- أرسِلْ انبياءَ لِهَدايةِ الناسِ.
- كُتِبَ الصَّيَامُ عَلَى المسلمينِ.
- تُمنَعُ المرأةُ المُسلمةُ مِنَ التَّكاسُلِ. (الاسلام)

٦- ضَع في الفراغ كلمةً مناسبةً.

- الصديقُ.....عند الشدائدِ. (يعرفُ - يُعرفُ)
- كيف.....صوتُ الجرسِ. (يسمعُ - يسمعُ)
- الشهداءُ.....عند ربِّهم. (يرزقون - يُرزقُ)
- نحنُ.....اصدقاءنا عند الشدائدِ. (نعرفُ - نُعرفُ)

٧- أعرِب ما اشير اليه بخط.

- هُوَ شهرُ رمضانَ الذي أنزلَ فيه القرآنُ.

- يُنزلُ اللهُ علينا النعمَ السماويةَ.